



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
شنبه ۴ شهریور ۱۴۰۲ - ۹ صفر ۱۴۴۵
سال بیست و پنجم - شماره ۶۸۲۵ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۳۰۰۰ تومان

سر مقاله

حرکت از دامنه به سمت قلّه



محمدجواد اخوانمدیر مسئول

داشت. برای فهم این گزاره لازم است سابقه این موضوع در ادبیات ایشان واکاوی گردد. پیش از یک دهه قبل و در سال ۱۳۹۱ معظم‌له فرمودند: «ما داریم در دامنه حرکت می‌کنیم، ما هنوز به قلّه نرسیده‌ایم؛ با آن فاصله داریم. آن روزی که ملت ایران به قلّه برسد، دشمنی‌ها تمام خواهد شد. آن روزی که ملت ایران به قلّه برسد، معارضه‌های حیانت‌آلود به پایان خواهد رسید. ما تا آن روز فاصله داریم. حرکت را باید بی‌وقفه ادامه دهیم.» اکنون فهم تحولات دهه گذشته از این منظر اهمیت دارد.

۱۱ سال پیش وزمانی که رهبر انقلاب از حرکت در دامنه‌ها سخن می‌گفتند، ماه‌های نخستین تحمیل جنگ تمام عیار اقتصادی امریکا علیه ایران اسلامی بود و هنوز آثار تأثیر این تهاجم بر اقتصاد و جامعه ما چندان قابل مشاهده نبود. در آن روزها بسیاری از آسیب‌های اقتصاد داخلی که بستر اثربخشی تحریم‌های دشمن بود برای بسیاری از مسئولان و کارشناسان ناپیدا بود و تحریم‌ها این آسیب‌ها را نمایان کرد. مهم‌ترین این آسیب‌ها وابستگی اقتصاد به خام‌فروشی نفت و چرخه تجاری دلار بود. اقتصاد تک‌محصولی در طول سال‌های ۱۳۵۰ به بعد بر کشور چنبره زده بود و از سویی دلار در چرخه مبادلات جهانی کالا و خدمات، یکه‌تازی می‌کرد.

با آنکه در دهه‌های اول تا سوم انقلاب اسلامی، گام‌های مهمی برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی برداشته شده بود، اما از این دو آسیب مهم غفلت شده و حتی جاهایی تغافل هم شده بود. برای مثال رهبر انقلاب در ۱۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۳ از بستن چاه‌های نفت و عسکال‌گیری اقتصاد کشور بر اساس تولیدات غیر نفتی به‌عنوان «ارزوی واقعی» خود نام برده و همگان را به تلاش در مسیر تحقق این مهم فراخواندند. بعدها خود ایشان چنین روایت کردند که «من هفده هجده سال قبل به دولتی که در آن زمان سر کار بود و مسئولان گفتم کاری کنید که مسا هر وقت اراده کردیم، بتوانیم در چاه‌های نفت را ببندیم. آقایان به قول خودشان "تکنوکرات" لیخند انکار زدنند که مگر می‌شود؟!» در ماجرای دلار هم بارها ایشان به این نکته توصیه کردند و حتی زمانی که پس از امضای برجام، دسترسی ایران به چرخه دلار بازگشایی شد، ایشان فرمودند «اگر مسئولان و مردم بتوانند اقتصاد مقاومتی را به‌معنای واقعی محقق و کشور را از جادوی مالی و پولی دشمن خلاص کنند و ارزش و آقایی دلار را در زندگی اقتصادی بیشکنند، کشور‌های دیگر را نیز نجات داده‌اند و برای آنها الگو خواهند شد.»

به هر حال، ماحصل یک دهه تحمیل جنگ ترکیبی و اقتصادی علیه ملت ایران آن بود که حتی تکنوکرات‌های غربگرا به‌رغم میل باطنی‌شان - هر چند به‌کنند- ناچار شدند در مسیر رفیع این دو آسیب گام بردارند و در طی یک دهه گذشته اقتصاد ایران تا حد زیادی از وابستگی به خام‌فروشی نفت خام را ه‌شند. درحالی‌که یک دهه قبل، ارز حاصل از صادرات غیرنفتی عملاً فقط ۴۰ درصد منابع واردات را پوشش می‌داد، اکنون این عدد به بیش از ۹۰ درصد رسیده و میزان خام‌فروشی نفت هم به‌شدت کاهش یافته است. در خصوص دلار نیز اکنون الگوی جداسازی اقتصاد از دلار به کشورهای دیگر تسری یافته و دلار زدایی از اقتصاد جهان به‌گفتمانی بین‌المللی تبدیل شده است مدبران کشور ما نیز راه استفاده از ارزهای دیگر برای تبادلات بین‌المللی را آموختند.

در یک دهه گذشته، به دلیل آسیب‌های یادشده، اقتصاد ایران دستخوش نوسانات بسیاری شد و عملاً آثار آن بر سفره و معیشت مردم قابل مشاهده است، اما اکنون می‌توان با یقین گشت که در مقابل این دشواری‌ها، شسپ تند و دست‌اندازی‌های بزرگ وابستگی اقتصاد ملی به ابزار‌های در اختیار دشمن را پشت سر گذاشته‌ایم. نمی‌توان ادعا کرد مشکلات معیشتی مردم برطرف شده است، اما اصلی‌ترین کانون مولد این مشکلات که مقاوم نبودن اقتصاد ایران بود، تا حد زیادی مهار شده است.

بر این اساس است که رهبر انقلاب اخیراً فرمودند: «ما فصل مُشعی را حرکت کرده‌ایم؛ این سربالایی، این شیب تند را عبور کرده‌ایم، به قلّه‌ها نزدیک شده‌ایم. نباید خسته بشویم. امروز روز خسته شدن نیست، روز ناامید شدن نیست؛ امروز روز شوق است، روز امید است، روز حرکت است.»

رئیس سازمان برنامه و بودجه روحانی: رشد اقتصادی سال ۱۳۹۹ معادل ۴/۱ درصد و در بهار سال ۱۴۰۰ برابر ۶/۷ درصد بود
رئیس سازمان برنامه‌و بودجه رئیس: میانگین رشد اقتصادی در هشت ساله دولت شما حدود یک درصد و در چهار سال دوم حدود صفر بود

عبرت رشد اقتصادی در یک دهه

ادعای مسئولان اقتصادی قبلی درباره رشد اقتصادی ۴درصدی در بهار ۱۴۰۰ در حالی است که طبق گزارش رسمی بانک مرکزی میانگین رشد اقتصادی دولت روحانی تقریباً صفر بوده است

صفحه ۱۲

سلام بر جهان جدید

رئیس‌جمهور در بازگشت از اجلاس بریکس: ظهور و قدرت‌یابی مجموعه اقتصادی «بریکس» می‌تواند نظم جدیدی با محوریت «جهان جنوب» شکل دهد. البته این جهان، فراتر از مفهوم «توسعه‌نیافتگی» است و می‌تواند به «نظم‌ساختگی فعلی» پایان دهد

صفحه ۴



● وحید معظّم‌نیا | مدیر گروه اقتصادی | ایران پس از شانگهای یک بار دیگر در بریکس کنار قدرت‌های نوظهور جهان ایستاد؛ فرصتی تازه برای عبور از یکجانبه‌گرایی و سلام بر جهان جدید | 📷 ریاست‌جمهوری

قرعه‌کشی بزرگ حساب‌های قرض الحسنه پس‌انداز بانک سپه

جوایز ویژه نهایی شد

در مدار مهریانی از مردم برای مردم

جایزه یک میلیارد ریالی

آخرین مهلت افتتاح حساب و تکمیل موجودی ۲۲ شهریور ماه

هر ۵۰ هزار تومان در هر روز یک امتیاز حداقل مبلغ شرکت در قرعه‌کشی ۱۰۰ هزار تومان

۱۱۱۱
حق‌نقدم وام‌قرض‌الحسنه ۵۰ میلیون ریالی

و میلیارد‌ها ریال جوایز نقدی دیگر...

www.banksepah.ir



تحلیلی بر سخنان جواد امام سخنگوی جبهه اصلاحات

اول یک انتخابات سالم در جبهه بعد بوق دموکراسی خواهی!

چرا اصلاح‌طلبان توصیفی بهتر از «منافق» برای یکدیگر ندارند؟!

■ **علی علوی**

جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات در گفت‌وگویی که مشخصاً در دفاع از وجهه تخریب‌شده خاتمی به‌عنوان رهبر اصلاحات انجام شده است، تلویحاً گزارش قوچانی از انتخابات جبهه را «تفاقی وار» خوانده است. قوچانی هم در آن گزارش، انتخابات جبهه را به «هژمونی مجاهدین خلق (منافقین) بر شورایی که نامش را مقاومت ملی گذاشته بودند» تشبیه کرده و نوشته بود «بلشویک‌ها(خاتمی، امین‌زاده، میردامادی و اصغرزاده) هم همین بلا را بر سر اصلاحات آوردند و آن را به سایه خود بدل کردند.»

به نظر می‌رسد کار اصلاح‌طلبان به یک چالش جدی و سنگ سفت خورده است. حالاسخنگوی جبهه اصلاحات و برخی دیگر از اعضای این جبهه باید ثابت کنند پیش از نقدهایی که به انتخابات ایران در ادوار مختلف (حتی همان وقتی که خودشان بارها و بارها با اکثریت پیروز شدند) دارند، از عهده یک نمونه آزمایشگاهی سالم و دموکراتیک برآمده‌اند و آن هم انتخابات درونی جبهه اصلاحات است. اخیراً طیف شناخته‌شده اصلاحات، یعنی حزب سازندگی، انتخابات جبهه اصلاحات را به نوعی دیکتاتوری که با صدور دستور خاتمی تکلیفش مشخص شد، تشبیه کرد و حالا برای اصلاح‌طلبان دشوار است که این نمونه آزمایشگاهی را در دست بگیرند و به انتخابات سراسری با شعارهای دموکراسی خواهانه وارد شوند.

■ **هر کس به ما مد پگوید منافق است، حتی از خودمان!**

سخنگوی جبهه اصلاحات در پاسخ به پرسش سایت جماران که «بحث تحمیل خاتم منصور ی آبه ریاست جبهه اصلاحات ا را شما تکذیب می‌کنید یا اینکه مثلاً اجازه ندادند خاتم مولاوردی بشود رئیس؟ این‌ها را همه را رد می‌کنید؟» می‌گوید: «بله، این‌ها خلاف محض است، دروغ محض است و این‌ها به‌جز خبرسازی‌های نفاق‌گونه‌ای که به‌دست مخالفان مردم و مقابله با جریان اصلاحات دارد صورت می‌گیرد، هیچ اساس دیگری ندارد.»

این گفت‌وگو به‌وضوح پاسخی است به نقدهایی که قوچانی در شماره اخیر «آگاهی‌نو» به روند انتخابات جبهه اصلاحات کرده بود. قوچانی درباره انتخاب آذرمنصوری در این انتخابات گفته بود برای چه، مسئله زن‌بودن رئیس جبهه اصلاحات فقط یک تاکتیک (و نه راهبرد) در برابر جنبش مهسا برای مصادره شعار «زن، زندگی و آزادی» است. در این تاکتیک اصل بر «مشارکتی- اتحادی» بودن رئیس جبهه اصلاحات است. به همین علت گرچه افرادی از قول خاتمی بر ضرورت زن‌بودن رئیس جبهه اصلاحات اصرار می‌کنند، خیر و نقل قول خود را تکمیل نمی‌کنند که اشاره او به مولاوردی بوده است و نه فقط آذر منصور ی! پس چرا منصور ی رئیس شد؟ چون امین‌زاده و میردامادی و اصغرزاده خاتمی را کتانیزه و در انتخابات، مهندسی نرم کردند.

کاملاً قابل‌پیش‌بینی بود که گزارش قوچانی در «آگاهی‌نو» و گفت‌وگوی بهزاد نبوی با این منجه که دو روز بعد با فشار از بالا مجبور شد بگوید منظورش از «لوج‌ها» شخصیت‌های اصلی اصلاحات نبوده‌اند) یک افتراق جدی بر سر منافع حزبی حزب سازندگی یا جبهه اصلاحات ایجاد می‌کند و واکنش‌های بعدی اصلاح‌طلبان را در پی خواهد داشت. حالا جواد امام بسا دروغ‌خواندن تلویحی گزارش قوچانی می‌گوید: «خاتم منصور ی یکی از شخصیت‌های باسابقه و خوش سابقه و ارزنده و شایسته جریان اصلاحات هستند. ایشان هیچ تمایلی برای پذیرش ریاست نداشت. دوستان به دنبال سرکار خاتم مولاوردی بودند که ایشان هم اساساً هرچقدر با او صحبت شد، پذیرش نداشت. حالا می‌آیند یک خبرسازی‌های کذبی می‌کنند.»

مسئله اینجاست که هیچ‌کس جز قوچانی و برخی اصلاح‌طلبان اساساً وارد این بحث نشد که چرا مولاوردی نشد و چرا منصور ی شد، اما جواد امام طوری حرف می‌زند که انگار جناح مخالف اصلاح‌طلبان اعتراض داشته‌اند که چرا مولاوردی نه و چرا منصور ی بله!

اما اینکه حزب‌سازندگی که قوچانی در آن گزارش می‌گوید از جبهه اصلاحات خنجر خورده است، دید رهبر ی خاتمی را نیزبذرد و حتی او را «دیکتاتور بلشویک» بنامد، در سخنان دیگر اعضای حزب سازندگی هم نمود دارد. ببینید حسین مرعشی در تازه‌ترین اظهاراتش چگونه حساب سازندگی و اصلاحات را جدا می‌کند: «شسرت در انتخابات تحت هر شرایطی نخواهد بود. هنوز نه جبهه اصلاحات و نه کارگزاران به هیچ تصمیم روشنی در مورد انتخابات آینده نرسیده‌اند. اما من پیش‌بینی می‌کنم هم کارگزاران هم بخش‌هایی از جبهه اصلاحات در حوزه‌هایی از شهرستان‌هایی که دارای تک نماینده هستند و چهره‌های میانه‌رو و اصلاح‌طلب تأییدصلاحیت شده باشند، یک تصمیم کلی برای حوزه انتخابیه بگیرند. حوزه به حوزه تصمیم بگیرند. به این صورت که در آن حوزه‌هایی که رقابت باشد و شخصیت‌های معتبری تأیید صلاحیت شوند، می‌توانند در انتخابات شرکت کنند.»

■ **دیکتاتوری خاتمی در تیرهای کارگزاران!**

حزب کارگزاران حتی در رسانه‌های خود و در حین انتشار خاطرات هاشمی هم تلاش می‌کند که با انتخاب تیرهای جهت‌دار، منشش دیکتار مآبانه خاتمی را (تعبیری که قوچانی برای جبهه اصلاحات به کار برد) نشان دهد. گذرگاه تلگرامی کارگزاران در انتشار خاطرات دوم شهریور ۱۳۷۹ هاشمی با انتخاب تیر «جنگ اعصاب مدیرعامل ایرنا و خاتمی» می‌آورد: «آقای آفریدون آ زردی‌نژاد، رئیس خیرگزاری (ایرنا) آمد. از وضع بد سیاسی و منازعات و میج‌گیری‌ها اظهار ناراحتی کرد... گفت در مصاحبه پریشب با آقای خاتمی آرنیس‌جمهوراً برای تنظیم سؤال‌ها، کلی جنگ اعصاب داشتیم. در زمان شما، مصاحبه‌ها بدون کنترل و مقدمات بود.»

اینکه رسانه‌های حزب سازندگی بعد از انتساب عناوین بلشویک و دیکتاتور به خاتمی در آن گزارش کذایی، یادآور می‌شود که خاتمی حتی برای تنظیم سوالات یک مصاحبه کاملاً تشریفاتی با عوامل خود، جنگ اعصاب راه می‌انداخته و زربدر با هر سؤال نمی‌رفته، و با انتخاب تیر «جنگ اعصاب...» به این خوی دیکتاتوری خاتمی اشاره می‌کند، برای آنان که دقت‌نظر دارند، جای بسی حرف‌ها و نشانه‌هاست.

■ **مشارکت آری یا نه؟!**

جواد امام مشخصاً درباره مسئله مشارکت در انتخابات و اینکه باقی ماندن شورای نگهبان بر رویه‌های قبلی مانع مشارکت است، سخن می‌گوید اما در پاسخ به پرسش سایت جماران که «گفته می‌شود بعضی‌ها در جبهه اصلاحات معترض بودند به این منش آقای نبوی که طرفدار مشارکت در انتخابات است، درست هست یا نه؟» آن را صریحاً رد نمی‌کند و حتی به‌نوعی تأیید می‌کند و می‌گوید: «سلیقه‌های مختلف در جبهه وجود دارد، ولی آنچه مسلم است برآیند تصمیم‌گیری جبهه است که با اکثریت جبهه صورت می‌گیرد. و آنچه به‌عنوان برآیند جبهه، خروجی‌اش اعلام می‌شود برآیند اکثریت است. قاعدتاً در جبهه قرار نیست که اگر یک اختلاف نظری، اختلاف سلیقه‌ای در نحوه روش‌ها و منش‌ها برای این حرکت اصلاحی وجود دارد، این‌ها بیاید به صورت پراکنده بولد بشود. نه، آنجا بحث می‌شود، آنجا به هر حال مورد بررسی قرار می‌گیرد و آنچه در نهایت به‌عنوان تصمیم جبهه است، تصمیم اکثریت است.» **[بقیه در صفحه ۲**